

## جرایم مرتبط در حقوق کیفری ایران: چالش‌ها و راهکارها

(مقاله علمی - پژوهشی)

مرتضی جمشیدی\*

محمد ابراهیم شمس ناتری\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

### چکیده

در بین علمای حقوق و قضات در خصوص جرایم مرتبط و قواعد حاکم بر آن به علت سکوت مقنن اختلاف عقیده است. جرایم مرتبط شامل ارتکاب دو یا چند رفتار مجرمانه که دارای عناصر متشکله و مستقل توسط مرتکب است که مصادیق متعددی از این قبیل جرایم در مقررات کیفری ایران از جمله قانون مجازات اسلامی بیان گردیده، در برخی از این مقررات مقنن ضمن بیان مصادیق، قاعده تعیین کیفر آن را نیز بیان داشته است؛ به این ترتیب که مشمول مقررات تعدد جرم، یا اینکه آن را جرم واحد با کیفر واحد و در برخی دیگر فقط به ذکر مصادیق آنها اکتفا نموده است، بدون آنکه قاعده تعیین کیفر آنها را بیان کرده باشد. بنابراین در مواردی که قانون‌گذار در خصوص تعیین کیفر این دسته از جرایم مرتبط سکوت کرده است، چالش‌های در حقوق کیفری و رویه قضایی در طول سال‌های متمادی از جمله بیان مصادیق متفاوت در مقررات جزایی، عدم تعیین قاعده یکسان در تعیین کیفر نسبت به این دسته از جرایم، ارائه نظریات مشورتی متفاوت از سوی اداره حقوقی، صدور احکام متفاوت از مراجع قضایی و ایجاد اطاله دادرسی در رسیدگی‌های قضایی ایجاد می‌نماید. در این مقاله ضمن بیان چالش‌ها و بررسی راهکارهای مناسب به ارائه پیشنهادات اجرایی مربوط به این بحث می‌پردازیم.

### کلید واژگان:

تعدد جرم، جرایم مرتبط، چالش‌ها، راهکارها.

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران  
mo.jamshidi53@gmail.com

\*\* دانشیار، دانشکده حقوق، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)  
eshams@ut.ac.ir

## مقدمه

رفتارهای مجرمانه، گاه ممکن است یکسان باشند؛ مانند چند فقره سرقت، یا متفاوت باشند؛ مانند یک فقره سرقت و یک فقره کلاهبرداری. مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در فصل پنجم در بحث تعدد جرم در مواد ۱۳۱ به بعد تکلیف را مشخص کرده است. در جرایم مرتبط که در آن شخص، مرتکب رفتارهای مجرمانه متعددی می‌گردد که هریک از آن رفتارها دارای عنوان مجرمانه و عناصر مستقل مربوط به خود هستند. گاهی ارتکاب این رفتارهای مجرمانه به نحوی است که بین آنها یک رابطه عرفی، طبیعی و ذاتی وجود دارد. به عبارتی، ارتکاب برخی از این رفتارها لازمه ارتکاب رفتار مجرمانه دیگری است و بین آنها یک رابطه استلزامی وجود دارد. مانند ورود به منزل غیر و سرقت مال که لازمه سرقت، ورود به منزل است. گاهی اوقات هم بین این رفتارهای مجرمانه چنین رابطه‌ای وجود ندارد. در این صورت می‌توان گفت که آنها مشمول قاعده و مقررات تعدد جرم می‌شوند. زمانی که رابطه استلزامی احراز می‌شود، در خصوص اینکه آیا مشمول مقررات تعدد جرم می‌گردد یا خیر، تکلیف را قانون‌گذار مشخص نکرده است؛ هر چند که با بررسی مقررات قانونی مشاهده می‌شود که مقنن به صورت موردی، ضمن بیان مصادیق جرایم مرتبط، کیفر آنها را هم مشخص کرده که مشمول قاعده تعدد جرم و در برخی موارد دیگر، آنها را جرم واحد تلقی و گاهی اوقات فقط به بیان مصادیق اکتفا و نسبت به تعیین کیفر آنها سکوت کرده است.

لذا این موضوع در مباحث علمی و دانشگاهی و همچنین در رسیدگی قضایی نسبت به این دسته از جرایم مرتبط، اختلاف عقیده و رأی وجود دارد و چالش‌های مهمی در مقررات کیفری و رویه قضایی به وجود می‌آورد. لذا اهمیت و ضرورت این نوشتار این است که اولاً چالش‌های این بحث و ثانیاً راهکارهای رفع آنها به همراه رویه قضایی موجود بیان می‌گردد تا بتوان بحث جرایم مرتبط را از نهاد حقوقی تعدد جرم تفکیک و در مرحله تعیین و اجرای کیفر نیز مجازات مناسب به حال بزهکار اعمال نمود. بنابراین پرسشی که در این مقاله مطرح می‌گردد، این است که جرایم مرتبط در حقوق کیفری ایران با چه چالش‌هایی مواجه‌اند و چه راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها وجود دارد؟ به منظور پاسخگویی به این سوال مطالب را در سه قسمت تقسیم می‌کنیم که در قسمت اول به بیان جرایم مرتبط و دیدگاه حقوق‌دانان نسبت به آن، در قسمت دوم

چالش‌های ایجاد شده در مقررات کیفری و در قسمت سوم راهکارهای رفع این چالش‌ها، به انضمام نتیجه‌گیری و پیشنهادات بیان خواهد شد.

### ۱. تعریف، مبنا و دیدگاه حقوق‌دانان نسبت به جرایم مرتبط

به لحاظ لغوی جرایم جمع جریمه و جرم به معنای گناه، خطا، بزه و کلمه مرتبط نیز به معنای پیوسته و چیزی که با چیزی دیگر پیوستگی و ارتباط داشته باشد<sup>۱</sup> که در دو معنا به کار برده می‌شود. جرایم مرتبط در معنای عام، اشکال مختلفی دارد. اما آنچه مد نظر ما می‌باشد، معنای خاص آن است؛ یعنی حالتی که فرد، مرتکب چند جرم می‌شود که هر کدام از آنها دارای رفتار و عنوان مستقلی است، ولی طبیعت ارتكابی آن جرایم به نحوی است که قابلیت تفکیک از یکدیگر را ندارند که مجموعه آنها را جرایم مرتبط یا جرایم غیرقابل تفکیک یا لازم و ملزوم می‌نامند. در ارتباط با مبانی جرایم مرتبط باید گفت که مقررات کیفری در این خصوص وجود ندارد؛ بلکه مبنای آن، نظریات علمای حقوق و رویه قضایی است که در این زمینه نیز نظریه و رویه قضایی واحدی هم وجود ندارد.

با بررسی قوانین کیفری ایران می‌توان گفت مواد ۳۲ و ۳۳ از قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و ماده ۲ الحاقی به قانون اصول محاکمات جزایی مصوب ۱۲ مهر ماه ۱۳۱۲، اشاراتی به این موضوع داشته‌اند. به این نحو که ماده ۳۲ بیان می‌داشت: «اگر چند جرم برای یک مقصود واقع شده و مربوط به هم باشند یا اینکه بعضی از آنها مقدمه یا جزء دیگری بوده یا تفکیک از هم نشوند، تمام آنها یک جرم محسوب و مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است». ماده ۲ الحاقی هم در این خصوص مقرر کرده بود: «اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر یک از آنها مطابق قانون جرم باشد، محکمه برای هر یک از آن اعمال حکم مجازات علی‌حده صادر خواهد کرد، ولو اینکه مجموع این اعمال به موجب قانون، جرم خاصی شناخته شده یا بعضی از آنها مقدمه جرم دیگری باشد. در صورتی که فرداً عمل ارتكابی جرم بوده و مجموع آنها نیز در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد، محکمه باید برای هر یک از آن اعمال مجازات علی‌حده تعیین کرده و برای مجموع نیز مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد. در هر

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۱، صص ۴۵۹ و ۱۰۷۳.

یک از مواد فوق مجازات اشد به موقع اجرا گذاشته می‌شود.» بنابراین در زمان حال نمی‌توان گفت که مبنای جرایم مرتبط مقرر قانونی است. چرا که اگر قانون در این زمینه تعیین تکلیف می‌کرد، این همه اختلاف عقیده و صدور آرای قضایی متفاوت وجود نداشت.

در بین حقوق دانان نیز در خصوص جرایم مرتبط و قواعد حاکم بر آن نظریات مختلفی بیان گردیده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

یک نظر این است که جرایم مرتبط جرایمی هستند که پیوندهای نزدیکی با یکدیگر دارند و فایده تفکیک جرم واحد از جرم مرتبط را در گستره صلاحیت دادگاه‌های کیفری می‌داند. زیرا گاهی ارتباط میان افعال مجرمانه به حدی است که تفکیک آنها ناممکن به نظر می‌رسد و جدایی‌ناپذیری افعال مجرمانه متعدد، وحدت تعقیب در رسیدگی را ایجاب می‌کند.<sup>۱</sup> ارائه‌کننده این نظر معتقد است بین موردی که جرمی مقدمه جرم دیگر است، با موردی که بین جرایم، رابطه استلزام وجود دارد، باید تفاوت قائل شد. ایشان معتقدند وقتی جرمی از لوازم جرم دیگر محسوب می‌شود، باید تصور نمود که جرم لازم هیچ‌گاه بدون لوازم آن تحقق پیدا نمی‌کند، برخلاف جرایم متعددی که یکی مقدمه جرم دیگر است. در حالت اخیر باید قائل به تعدد مادی بود. ولی در جرایم ملازمه، اصلاً تعدد، چه مادی چه اعتباری، وجود نداشته و فقط یک جرم واقع شده است.

نظر دیگر آن است که در برخی موارد، قانون‌گذار مجموع چند عمل مجرمانه را به عنوان جرم خاصی مشمول مجازات قرار داده است؛ مانند سرقت توأم با شکستن حرز. در این مورد بدیهی است که شکستن حرز و سرقت توأماً جرم واحدی را تشکیل می‌دهند. لذا نمی‌توان این دو عمل را جدا از هم و به عنوان تعدد جرم مورد مجازات قرار داد. از طرف دیگر گاهی اوقات جرم کاملی که در قانون جزا عنوان خاصی دارد، مقدمه ارتکاب جرم دیگر قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، شخصی که برای ارتکاب جرم سرقت، کلیدی می‌سازد و بعد با استفاده از همین کلید نظریه مجرمانه خود را عملی می‌کند، چون جرم خاصی به عنوان سرقت همراه کلید ساختگی وجود ندارد، بنابراین ساختن کلید برای سرقت یک جرم و سرقت هم جرم مستقل دیگری است و مورد از مصادیق تعدد جرم خواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. اردبیل، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵، صص ۱۸۱ و ۱۸۸.

۲. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۲۷۶.

در ارتباط با جرایم مرتبط یا متصل، عقیده دیگری که وجود دارد این است که جرایم اگر متصل باشد قابلیت صدمه‌اش کمتر است. مانند اینکه شخصی سندی را جعل می‌کند، به خاطر اینکه از آن استفاده کند. بنابراین جعل و استفاده از سند مجعول متصل و به نوعی مرتبط هستند یا اینکه شخصی درب خانه‌ای را به قصد سرقت می‌شکند که سرقت و تخریب متصل و مرتبط با هم هستند. اگر واقعاً جرمی مقدمه ضروری جرم دیگری باشد، تعدد نیست. البته در اینکه منظور از مقدمه ضروری چیست، اختلاف نظر وجود دارد؛ به عنوان مثال، مقدمه ضروری سرقت از منزل، شکستن درب نیست. چون می‌تواند از روی دیوار برود یا کلید تهیه کند. ولی ورود به منزل مقدمه ضروری سرقت است.<sup>۱</sup>

نظر دیگر به این شرح است که در خصوص مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر یا موردی که جرمی لازمه جرم ارتكابی دیگر است، حالتی است که در واقع یک جرم، بیشتر اتفاق نیفتاده است. به عبارت دیگر، از آنجا که تمامی افعال در راستای ارتكاب یک جرم صورت گرفته و ماهیت جرم ارتكابی به گونه‌ای است که شخص ناگزیر از ارتكاب افعال متعدد بوده، بنابراین افعال وی واقعاً متعدد نیست.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از حقوق دانان در خصوص جرایم مرتبط یا متصل، معتقد است که امتیاز جرم متصل، منحصر به ملاحظات معنوی نیست. گاهی این ملاحظات مربوط به عنصر مادی است که موجب اتصال چند جرم با یکدیگر می‌شود؛ به نحوی که ارتكاب یکی مقدمه ارتكاب دیگری یا از لوازم آن به شمار می‌رود. مثلاً برخی اوقات لازمه سرقت هتک حرز و در نتیجه تخریب است که به حکم قاعده کلی، مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است.<sup>۳</sup>

عقیده دیگری که در ارتباط با جرایم مرتبط و قواعد حاکم بر آن وجود دارد و به نظر می‌رسد که با رویه قضایی حاکم سازگارتر است، چنین بیان می‌دارد: زمانی که مقدمه بودن جرمی برای جرم دیگر مطرح است، اینکه آیا مشمول تعدد مادی است یا اعتباری، نباید راه افراط و تفریط را پیمود؛ بلکه باید در هر جرمی قائل به تفکیک شد. در مواردی که جرم مقدم از شرایط طبیعی و عرفی و قابل مسامحه برای ارتكاب جرم مقصود است، نمی‌توان حکم به تعدد جرم داد. زمانی که

۱. شیخ الاسلامی، عباس، تعدد جرم، نظریه‌ها و رویه‌ها، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵، ص ۳۳.

۲. بسامی، مسعود، تعدد/اعتباری جرم در رویه قضایی و دکترین، خرسندی، ۱۳۹۳، ص ۲۰.

۳. باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: مجد، ۱۳۸۴، ص ۴۳۶.

سرقت از یک منزل به طور طبیعی و قهری مستلزم ورود به منزل شخص دیگری است، حکم به تعدد جرم قانونی نیست، هرچند که ماهیت ورود به منزل دیگری با عنصر مادی و ماهیت سرقت متفاوت است. بنابراین چنانچه ارتکاب جرمی نتیجه قهری و طبیعی جرم قبلی بوده، همانند سرقت و مخفی کردن مال مسروقه، و در مواردی که جرم مقدم عرفاً و منطقاً جزء لوازم جرم مقصود و بعدی باشد، نمی‌توان حکم به تعدد جرم داد. اما در مواردی که ارتکاب جرم مقدم جزء طبیعت جرم ارتكابی مقصود نیست و عرفاً قابل مسامحه نمی‌باشد، مقررات تعدد جرم حاکم خواهد بود. تأکید بر این معیار که عرف باید آن را قابل مسامحه بداند، بدان جهت است که گاهی جرم مقدم خسارات و اثرات آن بیشتر از جرم مؤخر خواهد بود.<sup>۱</sup>

با توجه به تعاریف و توضیحاتی که حقوق‌دانان در ارتباط با جرایم مرتبط ارائه نموده‌اند، ملاحظه می‌گردد که مبنا و معیار واحدی برای تشخیص آن استنباط نمی‌شود؛ به این نحو که معیارهای مختلفی از جمله مقدمه بودن رفتار مجرمانه برای رفتار مجرمانه دیگری، رابطه استلزام، یعنی مقدمه لازم و ضروری نه صرف مقدمه بودن، قصد مرتکب در تحقق جرم اصلی و رابطه طبیعی و عرفی بین رفتارهای مجرمانه، ارائه گردیده است. بنابراین می‌توان بیان داشت که این اختلاف عقیده در تعریف و ارائه چهارچوب جرایم مرتبط ناشی از دو امر است: ۱- تعاریف و معیارهای ارائه شده به مبنای فکری و نظری حقوق‌دانان نسبت به آن موضوع بر می‌گردد؛ ۲- سکوت قانون نسبت به تعریف، اعمال مقررات و قاعده مجازات نسبت به این دسته از جرایم است.

## ۲. چالش‌های جرائم مرتبط در مقررات کیفری

هرچند که جرایم مرتبط ممکن است در ابواب حدود، قصاص و دیات هم مطرح شود، با توجه به اینکه حقوق جزای اسلامی در این ابواب و در فقه امامیه خود را محدود به نصوص نموده است (چراکه عموم احکام در این مواد در نصوص وارد و مشخص شده است)؛ لذا نمی‌توان در فقه شیعه اجتهاد در مقابل نص نمود و بایستی به ضوابط حاکم بر تعدد در این جرایم، مراجعه و بر اساس آن تعیین تکلیف نمود. ولی آنچه مهم است و باید مدنظر قرار گیرد، این است که در ارتکاب جرایم متعدد ممکن است برخی از جرایم مستوجب حد و برخی هم مستوجب تعزیر باشد

۱. دکتر سبزواری نژاد، حجت، حقوق جزای عمومی، تهران: جنگل، ۱۳۹۹، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

که با توجه به مراتب گفته شده باید احکام هر کدام از باب مربوط به آن را مشخص کرد و در نهایت به مرحله اجرا گذاشت که در این صورت اصل بر جمع مجازات‌ها است و هر دو مجازات باید مطابق ماده ۱۳۵ ق.م.ا اجرا گردد. بنابراین در مواردی که تمام رفتارهای مجرمانه از نوع تعزیری باشند، چالش‌هایی در بحث جرائم مرتبط در مقررات کیفری به شرح زیر به وجود می‌آورد.

### ۲.۱. مصادیق متفاوت در مقررات کیفری

با بررسی قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات، ملاحظه می‌گردد که مقنن در برخی از مواد، علاوه بر بیان مصادیق جرایم مرتبط، تعیین کیفر آن را نیز مشخص کرده و آنها را به منزله جرم واحد و در نهایت با تعیین یک کیفر اعلام نموده است. مانند ماده ۵۴۷: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا ۷۴ ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

فرار کردن از بازداشتگاه یا زندان خود یک رفتار مجرمانه مستقل تلقی می‌شود، اما چون برای فرار از زندان باید این رفتار صورت گیرد، یعنی درب زندان یا دیوار را خراب کند یا بشکند، لذا این از موارد جرایم مرتبط بوده که به درستی به آن اشاره شده است.<sup>۱</sup>

گاهی هم قانون‌گذار علاوه بر بیان مصادیق جرایم مرتبط، آنها را از نظر تعیین کیفر مشمول قواعد تعدد جرم دانسته است. مانند ماده ۵۵۵: «هر کسی بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است، دخالت یا معرفی نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور سندی جعل کرده باشد، مجازات جعل را نیز خواهد داشت.»

در این ماده نیز رفتارهای مجرمانه متعددی است که مرتبط با هم می‌باشند: یکی دخالت دادن یا معرفی کردن فرد در مشاغل دولتی و دیگری جعل کردن سندی است برای دخالت یا معرفی کردن خود که مقنن به صراحت اعلام داشته است، برای هر کدام از این رفتارها مجازات

۱. مواد ۷۰۴، ۵۵۶ و ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مشمول این موارد می‌باشند.

جداگانه‌ای اعمال می‌شود؛ به عبارتی مشمول تعدد مادی خواهد شد، هرچند که این رفتارها در ارتباط با هم از سوی مرتکب صورت گرفته باشد.<sup>۱</sup>

در مواردی هم ملاحظه می‌گردد مقنن فقط به بیان مصادیق جرایم مرتبط پرداخته است، بدون آنکه در خصوص کیفر آنها تعیین تکلیف کرده باشد؛ مانند ماده ۷۰۲: «هرکس مشروبات الکلی را بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد، به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و نیز به پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یاد شده محکوم می‌شود.» عناصر مادی رفتارهای مجرمانه در این ماده متعدد و متفاوت است، بدون آنکه کیفر این دسته از رفتارهای مجرمانه مشخص شده باشد. با بررسی برخی دیگر از مقررات کیفری مصادیقی از جرائم مرتبط یافت می‌گردد؛ از جمله تبصره ماده ۱۲ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات: «خرید و حمل مواد محترقه غیرمجاز که برای جشن‌ها و مراسم‌ها استفاده می‌شود، مستوجب جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا ده میلیون ریال است.»

در این مقررۀ قانونی نیز رفتار مجرمانۀ خرید و حمل، لازم و ملزوم و از جمله جرایم مرتبط هستند؛ چراکه لازمه حمل مواد محترقه، ابتدا خرید آن است. بدیهی است که اگر هر رفتار مجرمانه (خرید و حمل) توسط یک نفر به صورت جداگانه تحقق یافته باشد، برای هر کدام مجازات مستقلی خواهد بود.

بند سوم ماده یک قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر: «اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود: نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفا، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی.» در برخی موارد ممکن است چند رفتار مجرمانه را یک نفر انجام دهد که هر کدام این رفتارهای مجرمانه مقدمۀ لازم برای رفتار مجرمانۀ دیگری است و از مصادیق جرایم مرتبط می‌باشد.

ماده ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «هر شخصی که مرتکب قاچاق کالا و ارز و حمل و نگهداری آن شود، علاوه بر ضبط کالا و ارز به جریمه نقدی محکوم می‌شود...».

۱. مواد ۶۳۴، ۶۲۱، ۶۰۷، ۵۸۶، ۵۸۰ و ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی مشمول این قسمت می‌باشند.



در این مقررۀ قانونی نیز سه رفتار مجرمانه پیش‌بینی شده که شامل قاچاق کالا و ارز، حمل و نگهداری آن که انجام هر کدام از این رفتارها لازمه و مقدمۀ دیگری است. زمانی که هر سه رفتار توسط یک نفر صورت بگیرد، از مصادیق جرایم مرتبط می‌باشد؛ زیرا لازمه نگهداری، قاچاق کالا و حمل آن است.<sup>۱</sup>

## ۲.۲. فقدان قاعده یکسان تعیین کیفر

با مراجعه به مقررات کیفری ایران ملاحظه می‌گردد در خصوص مقررات مربوط به تعدد و تکرار جرم در طول سال‌های اخیر، تغییرات فراوانی نسبت به تعیین کیفر ایجاد شده؛ به نحوی که اخیراً نیز در سال ۹۹ میزان کیفر در جرایم تعزیری کاهش یافته است. مشدده بودن نهاد تعدد جرم برای محروم ساختن مجرمان خطرناک از نهاد ارفاقی جایگزین حبس است، ولی با روشن شدن مفهوم، حدود و نیز آثاری که این نهاد ایجاد می‌کند، مشخص خواهد شد که وجود آن باعث تشدید نسبت به جرایم خفیف از یک سو و تخفیف نسبت به جرایم سنگین و مجرمان خطرناک از سوی دیگر خواهد شد.<sup>۲</sup>

نبود چهارچوب و اصول جامع راهنمای تعیین کیفر در قانون مجازات اسلامی، منجر به شکل‌گیری رویه‌های قضایی غیرمنسجمی می‌گردد که نه تنها موجب بهره‌گیری حداکثری و غیرضروری از کیفرهایی همچون حبس شده، بلکه بسته به نوع دیدگاه سزاکرایانه یا بازپرورانه قضات در شعب مختلف منجر به اتفاقی شدن عدالت نیز گردیده است. رویه‌سازی اصولی در صدور احکام جزایی از یک سو مستلزم نظارت کارآمد دادگاه‌های تجدیدنظر بر احکام دادگاه‌های نخستین و از سوی دیگر در سطح سیاست جنایی تقنینی نیز قانون‌گذار باید در مجموعه‌ای از مواد قانونی نسبت به تعیین اصول راهنمای تعیین کیفر اقدام کند تا از تشتت آرا در رویه‌ها و ملاک‌های کیفرگزینی پیشگیری کند.<sup>۳</sup>

۱. جهت مشاهده مصادیق جرایم مرتبط که در مقررات کیفری بیان گردیده می‌توان به تبصره ۲ ماده ۱۳ قانون شکار و صید و ماده ۴۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع با اصلاحات بعدی رجوع نمود.  
 ۲. زارع، ابراهیم و محمدابراهیم شمس ناتری، نقش نهاد تعدد جرم در تعیین مجازات جایگزین های حبس، تخفیف یا تشدید؟، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره نهم، ۱۳۹۹، شماره ۳۳، ص ۱۰۳.  
 ۳. محسنی، فرید و رضا رحیمیان، کیفرگذاری تقنینی تا کیفرگزینی قضایی، حقوقی دادگستری، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۱۰۷، ص ۵۷.

مقنن در ارتباط با جرایم مرتبط هیچ فصلی یا مقرره‌ای که آن را از تعدد جرم متمایز کند یا اینکه آنها را تابع مقررات تعدد بداند، بیان نکرده است. در نتیجه، در صورت تحقق این دسته از جرایم بین قضات در رسیدگی و صدور حکم اختلاف وجود دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت نتیجه و ماحصل بحث اینکه جرایم مرتبط، تعدد جرم تشخیص داده شود یا جرم واحد تعیین کیفر است. در مقررات کیفری ما، قاعده و اصولی برای تعیین کیفر نسبت به رفتارهای مجرمانه مرتبط پیش‌بینی نشده است و در بیان مصادیق جرایم مرتبط در قوانین کیفری که بیان شد، مشاهده گردید که مقنن در برخی از موارد آنها را تابع مقررات تعدد جرم و در برخی مصادیق آنها را جرم واحد و در مصادیق دیگر اساساً تکلیف تعیین کیفر را مشخص نکرده و فقط مصادیق این رفتارهای مجرمانه را بیان نموده است.

### ۲.۳. وجود نظریات مشورتی متفاوت

همان‌طور که در سطور قبلی بیان گردید، علمای حقوق در خصوص اینکه جرایم مرتبط را یک جرم واحد یا آنها را مشمول تعدد جرم بدانند، نظریات مختلفی بیان نموده‌اند. در مرحله رسیدگی‌های قضایی جرایم مرتبط ابهاماتی برای قضات به وجود می‌آید که به منظور ارشاد و راهنمایی از اداره حقوقی قوه قضائیه استعلاماتی به عمل می‌آورند. اداره حقوقی متشکل از قضات باتجربه و باسابقه کشوری موضوعات را در کمیسیون مربوط طرح می‌کنند و پاسخ لازم را می‌دهند که با مراجعه و مطالعه این نظریات مشاهده می‌گردد که در خصوص جرایم مرتبط نظریات مشورتی اداره حقوقی یکسان نبوده و متفاوت است؛ به نوعی که تعدادی از این نظریات مشورتی اداره حقوقی، جرائم مرتبط را به منزله تعدد اعتباری تلقی می‌کند و اعتقاد به اجرای مجازات اشد و تعدد دیگر، جرائم مرتبط را مصداق جرم واحد و دسته دیگر آنها را مشمول تعدد مادی جرم می‌دانند.<sup>۱</sup>

۱. جهت مطالعه نظریات مشورتی اداره حقوقی که حکایت از تعدد اعتباری و اجرای مجازات اشد نسبت به جرایم مرتبط را دارد می‌توان به نظریات شماره ۷/۹۲۸ - ۷۶/۴/۱۴ ، ۷۵/۵/۳۰ - ۷/۹۹۸ ، شماره ۷/۲۶۴ - ۱۳۷۷/۱/۲۶ ، شماره ۷۷/۵/۲۴ - ۷/۲۹۹۶ و شماره ۱۳۸۹ - ۷/۲۲۶۴ و از جمله نظریات مشورتی که جرایم مرتبط را جرم واحد تلقی می‌نمایند می‌توان به نظریات شماره ۷/۱۷۴۵ - ۹۱/۸/۲۹ ، ۷/۲۰۱۴ - ۱۳۷۲/۴/۲ ، شماره ۷/۶۳۷۲ - ۱۳۷۴/۸/۲۷ ، شماره ۷/۲۷۷۱ - ۱۳۸۱/۴/۱۶ ، شماره ۱۳۸۲/۶/۲۷ - ۷/۵۱۲۷ ، شماره ۷/۲۲۵۹ - ۱۳۸۴/۴/۴ و همچنین نظریات مشورتی که جرایم مرتبط را مشمول قاعده تعدد جرم می‌دانند، می‌توان به نظریات مشورتی شماره‌های ۷/۱۳۶۶ - ۱۳۸۹/۳/۱۱ ، ۱۳۷۳/۱۰/۱۲ - ۷/۵۶۹۱ ، ۸۷/۱۰/۱ - ۷/۶۱۰۴ ، ۱۳۹۰/۴/۵ - ۷/۲۲۰۵ ، ۱۳۸۹/۳/۱۱ - ۷/۱۳۶۶ و ۷/۹۳/۲۵۳۴ - ۹۳/۱۰/۲۰ مراجعه نمود.

#### ۲.۴. صدور احکام متفاوت در رسیدگی‌ها

زمانی که قانون، قواعد حاکم بر کیفر رفتار مجرمانه را تعیین نکرده باشد، قضات در رسیدگی به آن دچار تشکک آرا می‌شوند. بحث تعیین کیفر جرایم مرتبط از جمله موضوعاتی است که در زمان رسیدگی منتهی به صدور احکام مختلفی حتی در عالی‌ترین مرجع قضایی کشور، یعنی دیوان عالی، می‌شود؛ به عنوان نمونه به برخی از آرای صادره در این مورد اشاره می‌گردد. در دادنامه (شماره ۲۹۹۳-۱۳۱۸/۱۱/۲۱ شعبه پنجم دیوان عالی کشور) آمده است: مقدمه بودن بزه‌ی که مستقلاً جرم شناخته شده، برای ارتکاب بزه دیگر نافی تعدد نیست.<sup>۱</sup> بنابراین اگر کسی با نقب زدن، مرتکب سرقت از خانه کسی شود یا با شکستن مهر، دخالت در مال توقیف شده بکند، در هر دو مورد مرتکب دو بزه شده است.

یا اینکه در یک دادنامه متهم به اتهام خیانت در امانت و به اتهام مشارکت در جعل و استفاده از سند مجعول محکوم و در نتیجه اعاده دادرسی، دیوان عالی کشور با این استدلال که به نظر، عدم استرداد چک موصوف در پرونده که به عنوان اتهام خیانت در امانت رسیدگی و منتهی به صدور رأی گردیده، به منظور جعل و استفاده از چک مورد بحث صورت گرفته و در واقع مقدمه جرایم بعدی بوده است و مستقلاً جرم جداگانه‌ای محسوب نمی‌گردد، دادنامه صادره را نقض می‌کند.<sup>۲</sup> در برخی از آرای صادره در پذیرش جرایم مرتبط به عنوان جرم واحد به درستی استدلال، ولی در تعیین کیفر به تعدد اعتباری و تعیین مجازات اشد استدلال و استناد می‌کنند که به نظر می‌رسد علت این استناد در راستای تعیین کیفر برای جرایم مرتبط، علی‌رغم استدلال دقیق، فقدان عنصر قانونی است. زیرا در تعیین عنوان مجرمانه و همین طور تعیین کیفر، آرا باید مستدل و مستند به مواد قانونی باشند. همان طوری که در تعدد اعتباری، تعدد مادی فعل مادی وجود ندارد، لذا تنها یک مجازات نسبت به فعل واحد ارتکاب شده صلاحیت عملی خواهد داشت و هیچ عامل عینی مدخلیت ندارد تا سبب تشدید آن گردد؛ لذا کیفر اشد در فرض تعدد معنوی در واقع یک سازوکار قانونی برای رفع تعارضات موجود در قانون است.<sup>۳</sup>

۱. حسینی، سید محمد رضا، *قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی*، تهران: مجد، ۱۳۸۹، ص ۷۹.

۲. دادنامه شماره ۴۵۵۰۰۴۵۵۰۹۰۸۶۰۹۹۷۰۹۱۰ صادره از شعبه ۳۰ دیوان عالی کشور.

۳. ذاکر حسین، محمد هادی، چشم‌انداز تعدد جرم از افق مبانی فقهی، ماهنامه دادرسی، ۱۳۸۸، شماره ۷۳، ص ۲۶.

## ۲.۵. ایجاد اطاله دادرسی

اطاله در لغت به معنای طول دادن چیزی، امتداد دادن و دراز کردن آمده است. «دادرسی» مصدر مرکب مرخم از «داد» و «رسی» است. «داد» به معنای عدل و قسط و در لغت به معنای عمل دادرسی، قضا، محاکمه و همچنین به معنای به داد مظلوم رسیدن و رسیدگی به دادخواهی دادخواه آمده است.<sup>۱</sup> از نظر حقوقی، دادرسی به دو مفهوم عام و خاص به کار رفته است. «دادرسی» به معنای اعم، رشته‌ای از علم حقوق است که هدف آن تعیین قواعد راجع به تشکیلات قضایی، صلاحیت مراجع قضایی، تعیین مقررات راجع به اقسام دعاوی و اجرای تصمیمات دادگاه‌ها می‌باشد و به معنی اخص مجموعه عملیاتی است که به مقصود پیدا کردن یک راه حل قضایی به کار می‌رود.<sup>۲</sup>

اطاله دادرسی در امر حقوقی، قابل توجیه و در برخی موارد اجتناب‌ناپذیر است. چون امری طرفینی بوده و به طور مستقیم، ارتباطی با نظم و امنیت عمومی ندارد. اما اطاله دادرسی در امر کیفری توجه همگان را به خود جلب می‌کند؛ زیرا اقتضای موضوعات کیفری رسیدگی فوری و بدون اطاله است تا هم احقاق حق شاکی و هم زیان‌دیده از جرم به موقع و بدون فوت وقت صورت گیرد و هم جامعه شاهد اقدام سریع سیستم قضایی در برخورد با بزهکار و ایجاد نظم و امنیت عمومی و در نتیجه تحقق عدالت باشد. تعلل و اطاله رسیدگی نادرست و بی‌جهت در رسیدگی کیفری قابل توجیه و دفاع نیست. در قانون آ.د.ک تسریع در رسیدگی که یکی از مصادیق بارز دادرسی عادلانه است، در ماده ۳ مورد تأکید قرار گرفته است.

علل اطاله دادرسی در رسیدگی‌های قضایی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: عوامل برون‌سازمانی و عوامل درون‌سازمانی از جمله عوامل برون‌سازمانی که باعث چالش اطاله دادرسی در رسیدگی‌های قضایی به موضوعات جرایم مرتبط است؛ نبود مقررۀ قانونی صریح در این ارتباط و در برخی موارد، مبهم بودن آن است؛ زیرا انتظام هر جامعه‌ای به قانون آن بستگی دارد.<sup>۳</sup>

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۳۸۷.

۲. جعفری لنگرودی، محمد، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴، ص ۲۷۳.

۳. جمشیدی، مرتضی، علل اطاله دادرسی و راهکارهای رفع آن، تهران: ملکان، ۱۳۹۵، ص ۱۲.

### ۳. راهکارهای رفع چالش‌ها

#### ۳.۱. تصویب مقررات قانونی

در بحث جرایم مرتبط همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در ابواب حدود، قصاص و دیات مطابق احکام و مقررات مربوط عمل می‌شود. ولی در بحث تعزیرات باید مطابق احکام و مقررات وضع شده از سوی مقنن توجه نمود. مقنن در خصوص جرایم مرتبط علی‌رغم اینکه مصادیق متعددی از آنها را در مقررات گوناگون کیفری بیان و نسبت به برخی هم موضع خود را مشخص کرده است؛ به این نحو که آنها جرم واحد می‌باشند با کیفر واحد و در برخی از مصادیق نیز آنها را تابع مقررات تعدد جرم دانسته و در برخی دیگر از مصادیق بیان شده در مقررات کیفری در خصوص تعیین تکلیف آنها از نظر تعیین کیفر سکوت کرده است؛ لذا همین امر موجب برداشت و تفسیر مختلف حقوق‌دانان و قضات در ارتباط با این موضوع شده است. اولین و مؤثرترین راهکار رفع این چالش‌ها این است که قانون‌گذار با بهره‌گیری از دانش کارشناسان برجسته و با توجه به فرهنگ جامعه و هدفی که از تعیین و اجرای کیفر دنبال می‌شود و با برخورداری از یک سیاست جنایی مؤثر و بی‌نقص، اقدام به وضع و تصویب مقرراتی صریح، روشن، بدون ابهام و تفسیرهای مختلف در خصوص این دسته از رفتارهای مجرمانه نماید.

#### ۳.۲. تعریف و بیان وجوه مشترک جرایم مرتبط

یکی از دلایلی که یک بحث می‌تواند در مقررات کیفری ایجاد چالش کند، این است که مقنن تعریف واضح یا قواعد مربوط به آن را بیان نکند. همین امر موجب برداشت‌های مختلف و متفاوتی از آن توسط قضات و حقوق‌دانان می‌شود. در خصوص جرایم مرتبط تعریفی در قانون نشده است، لذا با توجه به شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر رویه قضایی کشورمان نسبت به این بحث، می‌توان با ارائه یک تعریف این موضوع را از سایر مباحث مشابه کیفری از جمله تعدد جرم، تفکیک و در اعمال مجازات نسبت به آن دچار اشتباه نگردید. بنابراین می‌توان جرایم مرتبط را این‌گونه تعریف نمود: ارتکاب رفتارهای مجرمانه عمدی که توسط مرتکب در راستای تحقق جرم اصلی (مرتبط‌عنه) هم‌زمان، قبل یا بعد از آن صورت می‌گیرد.

با بررسی و مطالعه مقررات کیفری در بیان مصادیق جرایم مرتبط می‌توان جهات مشترک در بین این رفتارها را مشخص نمود که عبارت‌اند از:

الف) تعدد رفتارهای مجرمانه: به این معنی که به‌منظور تحقق جرایم مرتبط، حتماً باید دو رفتار مجرمانه یا بیشتر توسط مرتکب که مستقل و دارای عناصر متشکله است، انجام شود. مانند خرید مواد مخدر و حمل مواد مخدر، به عبارتی با انجام یک رفتار مجرمانه، جرایم مرتبط قابل تحقق نیست. بنابراین تفاوت عمده بین جرایم مرتبط و تعدد نتیجه این است که جرایم مرتبط مشمول چند رفتار است، ولی تعدد نتیجه ناشی از یک رفتار مجرمانه است. تفاوت دیگر اینکه در جرایم مقدماتی هر دو فعل با اراده مستقیم مرتکب صورت می‌گیرد؛ مثل کشیدن چاقو و ایراد ضرب و جرح؛ درحالی‌که در تعدد نتیجه پیامدهای مجرمانه، نتیجه قهری عمل نخستین است و فقط عمل نخستین است که با اراده مستقیم فاعل صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

ب) داشتن وحدت قصد: در انجام رفتارهای مجرمانه شخص مرتکب باید در انجام این رفتارها که مقصود و منظور اصلی وی انجام رفتار مجرمانه مورد نظر (جرم مرتبط عنه) است، وحدت قصد داشته باشد؛ اعم از اینکه این رفتارها قبل از جرم مورد نظر (جرایم اولیه) یا هم‌زمان یا بعد از تحقق جرم مقصود (جرایم ثانویه) باشد.

پ) وجود رابطه طبیعی، ذاتی و عرفی: بین رفتارهای مجرمانه باید یک رابطه طبیعی و عرفی وجود داشته باشد تا موجب تحقق جرایم مرتبط گردد. بنابراین زمانی که بین رفتارهای مجرمانه هیچ رابطه عرفی و طبیعی نباشد، اصطلاح جرایم مرتبط بر آنها صدق نمی‌کند. به عنوان مثال، شخصی مال مسروقه را بعد از سرقت می‌فروشد که خود یک رفتار مجرمانه مستقل است و بین سرقت و فروش مال مسروقه رابطه طبیعی و عرفی وجود ندارد. لذا مشمول تعدد جرم است، نه جرایم مرتبط. نکته مهم که باید به آن توجه داشت، این است که در تشخیص و احراز جرایم مرتبط دو معیار، وحدت قصد در ارتکاب رفتارهای مجرمانه و همین‌طور وجود رابطه طبیعی و عرفی بین این رفتارها با قاضی رسیدگی‌کننده است که آن را از اوضاع و احوال و سایر قرائن احراز می‌نماید.

۱. قیاسی، جلال‌الدین، بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه، فقه حقوق، ۱۳۸۸، شماره ۲۰، ص ۱۳۶.

ت) عمدی بودن جرایم ارتكابی: در ارتكاب رفتارهای مجرمانه مرتبط، اعم از اینکه رفتارهای مجرمانه مرتبط‌عنه از نوع رفتار مجرمانه اولیه باشد یا ثانویه یا هم‌زمان با جرم اصلی واقع شوند، باید ارتكاب آنها عمدی باشند نه غیر‌عمد.

### ۳.۳. توجه به نقش اصول در رسیدگی‌ها و رویه قضایی

در تعریف «اصل» چنین باید گفت که عبارت است از ایده‌ای اصلی که مجموعه مواد قانونی حول آن ارائه می‌شود. به عبارتی دیگر، روح قانون یا برآیند نظریات حقوق‌دانان یا نظم خاصی است که براساس آن، قواعد حقوق را تشکیل می‌دهد. اصول، پایه‌های ساختارهای حقوقی را تشکیل می‌دهد و دارای انواعی است که بین آنها سلسله‌مراتب وجود دارد. اصل، همچون قاعده دارای کلیت است، اما با درجاتی متفاوت. اصل مهم‌تر و کلی‌تر از قاعده حقوقی است. رویه قضایی و دکتربین، اقتدار خلق اصل را ندارند، آنها اصل را احراز می‌کنند. وجود اصول موجب ارتقای سلامت ساختار حقوقی و فقدان آن موجب آشفتگی و بی‌نظمی حقوقی است.<sup>۱</sup>

اصل ۱۶۶ قانون اساسی در کنار قانون امکان استناد به اصول را برای قضات دادگاه‌ها فراهم کرده است. این اصل که بدون هیچ‌گونه بحث خاصی در جلسه بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اتفاق آرای اعضای مجلس به تصویب رسید و ظرفیتی برای نظام قضایی ایران ایجاد کرده است که به وسیله آن می‌توان برخی از کمبودهای احتمالی قانون را مرتفع نمود که تاکنون چندان توجهی به این اصل در ارتباط با استناد به اصول در صدور آرای قضایی نشده است.

به نظر برخی از نویسندگان و محققان حقوقی، با توجه به نیت قانون‌گذار می‌توان گفت منظور از واژه مزبور همان اصول حقوقی پذیرفته‌شده در نظام حقوقی ایران است که می‌تواند مستند احکام دادگاه‌ها قرار گیرد. این امر بدان دلیل بوده است که از صدور حکم قضایی براساس نظرات شخصی قضات خوداری شود و به استحکام آرا و به شکل‌گیری رویه قضایی نیز کمکی شود؛ به‌ویژه در مواردی که قانون ساکت است.<sup>۲</sup>

۱. بولانژه، ژان، اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه، دکتر علی‌رضا محمدزاده وادقانی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ص ۷۳.

۲. صادقی، محسنی، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴، ص ۱۹۳.

شاید این‌گونه تصور شود که منظور از «اصول» مندرج در اصل ۱۶۶ صرفاً آن دسته از اصولی هستند که در خود قانون اساسی به آنها اشاره شده است و فقط آنها قابلیت استناد دارند. مثل اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها (اصل ۳۶)، باید بیان داشت مقصود از اصول در اصل ۱۶۶ فقط اصول اعلامی در قانون اساسی نیستند؛ زیرا اگر این‌گونه بود، ضرورتی نداشت در اصل ۱۶۶ به «اصول» اشاره شود؛ چرا که قانون خود مشمول قانون اساسی هم می‌شود. لذا منظور از اصول هم شامل اصول مندرج در قانون اساسی است و هم سایر اصول حقوقی نانوشته که از حمایت و پشتیبانی نظام حقوقی حاکم برخوردارند. مانند اینکه گفته می‌شود میزان مجازات در حدود قانون باید متناسب با جرم ارتكابی باشد که مبنای این امر (اصل تناسب) است که اساس حکم دادگاه‌ها می‌باشد، ولی مستند آن نیست. نکته بسیار مهم در استناد به اصول این است که وارد کردن هرگونه محدودیت بر حقوق اشخاص، صرفاً باید بر اساس قوانین صورت پذیرد. در این خصوص استفاده از اصول حقوقی در صورتی جایز است که آن وضعیت به نفع شخص باشد؛ مانند صدور رأی برائت متهم. برای ایجاد محدودیت بر حقوق اشخاص باید به قانون استناد کرد، لذا در تفسیر قانون باید اصولی که پشتوانه تدوین قانون است، رعایت گردد؛ زیرا قانون بر اساس قواعد و مقاصدی وضع شده است. موضوع استناد به اصول با استناد به قانون متفاوت است. در ایجاد محدودیت باید قانون مستند حکم قاضی باشد. لذا اگر در مقام ایجاد محدودیت به قانون استناد کردیم، اصول حقوقی در خصوص ایجاد محدودیت باید به عنوان مقاصد قانون‌گذار در نظر گرفته شود؛ چراکه قانون را باید در پرتو اصول، اجرای قضایی کرد. بنابراین استناد به اصول به منظور ایجاد محدودیت بر حقوق اشخاص ممکن نیست. بدان معنا که استناد به اصول در صورت عدم محدودیت یا فقد قانون، در صورتی جایز است که به نفع شخص باشد.<sup>۱</sup> از جمله کاربرد «اصول» در قوانین، فرجام‌خواهی از آرای کیفری و حقوقی است.<sup>۲</sup>

نکته قابل توجه این است که مطابق اصل ۱۶۶، قضات مکلف به استناد به قانون و اصول هستند که این موضوع در قوانین عادی هم منعکس شده است. اما تعریف جامعی از اصول حقوقی نمی‌توان ارائه نمود. زیرا اصول حقوقی همگی به یک شکل نیستند. برخی نشئت گرفته از منطقی، برخی برخاسته از ضرورت‌های اقتصادی و همچنین سیاسی هستند و به این دلیل

۱. نحوه استناد موجه به اصول حقوقی در رسیدگی‌های قضایی، پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۶، ص ۵۱.

۲. ماده ۴۶۴ قانون آ.د.ک و ماده ۳۷۱ قانون آ.د.م.



نمی‌توان قضاات را از استناد به اصول مندرج در اصل ۱۶۶ قانون اساسی منع کرد. نتیجه اینکه با استناد به اصول حقوقی نمی‌توان میزان مجازات یا میزان خسارت را تعیین نمود. زیرا صرف استناد به اصول حقوقی و عناوین مشابه به طور کلی به عنوان مستند حکم کفایت نمی‌کند، بلکه تصریح به اصل یا اصول مورد نظر به صورت مشخص ضروری است و همچنین با توجه به ویژگی‌هایی که برای اصول بیان گردید، می‌توان از آن در راستای عدم ایجاد محدودیت بیشتر بر شخص بزهکار استفاده کرد.

با بررسی رویه قضایی جاری هم مشاهده می‌گردد که این مهم به کرات در صدور آرا نسبت به جرایم مرتبط مورد توجه قضاات، از جمله قضاات عالی‌رتبه کشور، قرار گرفته است که به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

به موجب دادنامه‌ای رفتارهای مجرمانه فراهم کردن موجبات ارتشاء و رشاء با این استدلال که فراهم نمودن موجبات تحقق جرم ارتشاء مستوجب مجازات راشی است و تعیین دو مجازات جداگانه تحت عنوان راشی و فراهم نمودن موجبات تحقق جرم ارتشاء و جاهت قانونی ندارد و مبتنی بر اشتباه است، اتخاذ تصمیم گردیده است.<sup>۱</sup>

همچنین نسبت به رفتارهای مجرمانه جعل، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری با این استدلال که در تحقق بزه کلاهبرداری مانور متقابلانه ضرورت داشته که جعل و استفاده از سند مجعول می‌تواند از مصادیق مانور متقابلانه محسوب شود، لذا صدور احکام جداگانه برای هریک از بزه‌های کلاهبرداری و استفاده از سند مجعول موجه نمی‌باشد، انشای رأی شده است.<sup>۲</sup>

یا در خصوص ارتکاب رفتارهای مجرمانه حمل و نگهداری مشروبات الکلی، دادگاه با این استدلال که لازمه تحقق حمل مشروبات الکلی نگهداری آن موقع حمل است والا تحقق بزه حمل متصور نیست و تعیین دو مجازات جداگانه برای عمل واحد با عناوین مجرمانه متعدد حمل و نگهداری مخالف صریح با قانون است و تعیین دو کیفر برای اتهام حمل و نگهداری مشروبات مبتنی بر اشتباه و نامتناسب با جرم بوده، اتخاذ تصمیم نموده است.<sup>۳</sup>

۱. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۱۰۵۰۰۸۲۳ مورخ ۹۱/۱۱/۱۷ شعبه ۳۲ دیوان عالی کشور.

۲. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۲۵۳۰۱۷۸۳ مورخ ۹۳/۸/۲۵ شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور.

۳. دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۲۵۰۰۱۲۳۴ مورخ ۹۳/۷/۲۳ شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور.

## نتیجه‌گیری

جرایم مرتبط به عنوان یک تأسیس حقوقی از سالیان متمادی در مقررات کیفری ایران وجود داشته است، بدون آنکه مقنن قواعد حاکم بر آن را مشخص کرده باشد. به همین دلیل در بین علمای حقوق و همین‌طور قضات در رسیدگی‌های قضایی اختلاف‌نظر وجود دارد. هر چند با بررسی مقررات کیفری، از جمله قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، ملاحظه می‌گردد که مقنن در برخی مواد، جرایم مرتبط را تابع مقررات تعدد جرم و در مواد دیگری، آنها را جرم واحد و در اکثر مقررات کیفری فقط به بیان مصادیق جرایم مرتبط بدون آنکه قاعده تعیین کیفر آنها را مشخص کرده باشد، اکتفا نموده است؛ در نتیجه سکوت قانون‌گذار در این زمینه چالش‌هایی از جمله صدور احکام متفاوت قضایی در مراجع بدوی، تجدیدنظر و حتی شعب دیوان عالی کشور را به وجود آورده که مهم‌ترین راهکار رفع این چالش‌ها تصویب مقرراتی توسط مقنن در خصوص این دسته از جرایم است. بنابراین تا قبل از تصویب این مقررات به صورت کاربردی و عملی به منظور ایجاد رویه قضایی و علمی واحد می‌توان با توجه به اصل ۱۶۶ قانون اساسی به نقش و کاربرد اصول استناد و توجه داشت که مطابق آن می‌بایست نسبت به بزهکار در جرایم مرتبط که فاقد مقرره قانونی است، در راستای عدم ایجاد محدودیت بیشتر استفاده کرد و در صورتی که ارتباط بین رفتارهای مجرمانه را یک ارتباط طبیعی و عرفی یا به عبارت دیگر یک رابطه استلزامی یا لازم و ملزومی احراز نمود، آنها را به عنوان جرم واحد تلقی کرد و از قاعده تعدد جرم تفکیک نمود و همین‌طور پیشنهاد می‌گردد: ۱- در راستای تبیین این موضوع (جرایم مرتبط) با توجه به سوالات متعددی که از اداره حقوقی می‌شود، این اداره می‌تواند با تعیین و بیان معیارهای جرایم مرتبط و همین‌طور اعلام نحو تعیین کیفر نسبت به آنها تا حدود زیادی از ادغام و ترکیب مفاهیم این دسته از رفتارهای مجرمانه با سایر نهادهای حقوقی، از جمله مقررات تعدد جرم توسط قضات رسیدگی‌کننده جلوگیری نماید. ۲- قضات رسیدگی‌کننده به موضوعات کیفری این دسته از رفتارهای مجرمانه مرتبط، اعم از محاکم بدوی، تجدیدنظر به ویژه قضات دیوان عالی کشور که مرجع عالی قضایی کشور است، می‌توانند با استدلال قوی در بیان جرایم مرتبط و مواردی که در واقع نمی‌توان آنها را مشمول قاعده تعدد جرم دانست، هم در تشخیص و هم در بیان تعیین کیفر یک رویه قضایی غالب و محکم ایجاد کنند تا براساس آن سایر قضات، به ویژه قضات بدوی، بتوانند از آن استفاده کنند. ۳- مدیریت آموزش قوه قضائیه در امر آموزش قضات با

استفاده از اساتید مجرب دانشگاه‌ها و قضات برجسته کشوری در برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با موضوع اقدام نماید تا قضات با وجه تمایز جرایم مرتبط با سایر موضوعات مشابه در تشخیص، تعیین کیفر و سایر موضوعات مربوط به آن، از جمله مقرراتی که سایر کشورها در این خصوص دارند، شناخت پیدا نمایند. ۴- اساتید برجسته حقوق در تألیفات و تحریراتشان در مباحث حقوق جزای عمومی در بیان مقررات و قواعد مربوط به تعدد جرم در خصوص جرائم مرتبط و تفاوت‌های آن با تعدد جرم، بیشتر به این مطالب بپردازند و تنها به ذکر یک یا چند جمله از آن اکتفا نکنند؛ زیرا داشتن قضات برجسته در هر کشور مدیون تلاش‌ها و تألیفات و تدریس اساتید برجسته آن کشور است.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. آقای جنت مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد ۱، تهران: جنگل.
۲. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد ۱ و ۳، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۵.
۳. باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: مجد، چاپ دوم، اسفند ۱۳۸۴.
۴. بسامی، مسعود، تعدد/اعتباری جرم در رویه قضایی و دکتترین، تهران: خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۵. پژوهشگاه قوه قضائیه، گزارش نشست علمی، نحوه استناد موجه به اصول حقوقی در رسیدگی های قضایی، تهران: چاپ اول، ۱۳۹۶.
۶. جمشیدی، مرتضی، علل اطاله دادرسی و راهکارهای رفع آن در رسیدگی های قضایی با رویکرد کاربردی و تحقیقاتی، تهران: ملکان، پائیز ۱۳۹۵.
۷. جمشیدی، مرتضی، تعدد و تکرار جرم در قوانین کیفری ایران، تهران: ملکان، ۱۳۸۹.
۸. جعفری لنگرودی، محمد، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۴.
۹. حسینی، سید محمدرضا، قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، تهران: مجد، ۱۳۸۹.
۱۰. سبزواری نژاد، حجت، حقوق جزای عمومی، جلد ۳، تهران: جنگل، ۱۳۹۹.
۱۱. سلیمی، محمد، تعزیرات در نظامی قضایی اسلام، تهران: دانشگاه علوم قضایی خدمات اداری، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۱۲. شمس ناتری، محمد ابراهیم، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد ۱، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ چهارم، پاییز ۱۳۹۶.
۱۳. شیخ الاسلامی، عباس، تعدد جرم، نظریه ها و رویه ها، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، بهار ۱۳۹۵.
۱۴. صادقی، محسن، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴.
۱۵. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: گنج دانش، پاییز ۱۳۷۴.
۱۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۱.
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۴.

## مقاله

۱۸. نجفی ابرند آبادی، محمدعلی، درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری، فرصت‌ها و چالش‌ها، همایش (سخنرانی) ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری، ماهنامه قضات، آموزش دادگستری استان تهران، شماره ۷۷، ۱۳۹۱.
۱۹. بولانژه، ژان، اصول کلی حقوق و موضوعه، ترجمه علیرضا محمدزاده و ادقانی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۰. محسنی، فرید و رضا رحیمیان، از کیفر گذاری تقنینی تا کیفرگزینی قضایی، حقوقی دادگستری، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۱۰۷.
۲۱. ذاکر حسین، محمد هادی، چشم انداز تعدد جرم از افق مبانی فقهی، ماهنامه دادرسی، ۱۳۸۸، شماره ۷۳.
۲۲. قیاسی، جلال الدین، بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه، فقه و حقوق، سال پنجم، بهار ۱۳۸۸، شماره ۲۰.
۲۳. زارع، ابراهیم و محمدابراهیم شمس ناتری، نقش نهاد تعدد جرم در تعیین مجازات جایگزین‌های حبس، تخفیف یا تشدید؟، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره نهم، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۳۳.
۲۴. سامانه ملی آراء قضایی پژوهشگاه قوه قضاییه.
۲۵. نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه.

## قوانین کیفری

۲۶. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
۲۷. قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات مصوب ۱۳۹۰.
۲۸. قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹.
۲۹. قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶.
۳۰. قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۸.
۳۱. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲.
۳۲. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴.
۳۳. قانون کاهش مجازات‌های حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹.

